

کجا کاری کند عاقل؛ که بار آرد پشیمانی!

درین ایامیکه سرو صداها و فریادهای جگرسوز ملت افغان و خونهای به ناحق ریخته‌شان دامان قصابان درنده خود را در ملای عام گرفته و به مصداق اینکه (عدو شود سبب خیر اگر خدا خواهد!) فرزندان خود؛ ولی با درد تر خود شان چلوصاف اعمال شوم و بیشتر از ۹۲۰۰۰ سند مخفی استخباراتی شان را در سایت ویکی لیکس برخ شان کشیده و بدسترس موسسات نشراتی دیگری (هفته نامه معروف آلمانی (شپینگل) و روزنامه انگلیسی (گاردین) و روزنامه (نیویارک تایمز) قرار داده است - با این حال دیگ پنتاگون نیز به جوش آمده و با خروج شرم آوری این امر افشاکرایی را ضد منافع و امنیت خود قلم داد کرده اند که لاس انجلس تایمز پُر تیراژ نیز به آن چنین اشاره میکند (این عمل میتواند جان امریکائی ها و شریکان ایالات متحده را به خطر بیناندازد و امنیت ملی امریکا را تهدید کند!

در عین حال، حیمز جونز مشاور امنیت ملی دولت آغای اوباما گفته است: که ایالات متحده پخش و افشاء این اسناد محرمانه را به شدت محکوم میکند و علاوه میدارد: امکان دارد این اقدام زندگی امریکایی ها و شرکای این کشور و همچنین امنیت ملی آنها را با خطر رو برو سازد. به گفته آقای جونز، ویکی لیکس در مورد این اسناد هیچگونه تماسی با مقامات نگرفته است و ایالات متحده از طریق رسانه های خبری آگاهی یافت که این اسناد نشر شده است!! ولی جولیان آسانچ مدیر سایت ویکی لیکس میگوید: که قبل از نشر این اسناد از طریق نیویارک تایمز با مقامات دولت امریکا تماس گرفته که جوابی از آنها دریافت نکرده و بدین لحاظ بزودی تمام اسناد را به نشر می سپارد در حالیکه رابرت گیبس سخنگوی قصر سفید طی مصاحبه ای با چینل ان بی سی اظهار توقع نموده تا با نشر نمودن تمام اسناد از خون ریزی بیشتر عساکر امریکائی جلوگیری نماید و در عین حال اخبار میرساند که بارک اوباما رئیس جمهور ایالات متحده امریکا هفتمین دور جلسه فوق العاده تیم امنیت ملی خود را با اشتراک ۲۲ مقام عالی رتبه ملکی و نظامی را بشمول معاون ریاست جمهوری و وزیرای خارجه و دفاع و لیوپانینتا رئیس سی آی ای بروز ۲۹ جولای ۲۰۱۰ دایر و در مورد نشر همین اسناد (تحفه جورج بش ها بملت سر افکنده امریکا و ملل مظلوم قربانی شده عراق و افغانستان!) تبادل نظر نموده و عواقب ناگوار آنرا تحت غور قرار داده اند و جایش بوده که ممکن است و باید جناب رئیس جمهور دانشمند استاد یونیورسیتی؛ درس صداقت و راستی و بشر دوستی را به گروه توطئه گران غیابی قبل از خود و حضوری (منحیت درس عبرتی) لکچر می دادند.

باز هم چون در همین چند روز محدود؛ دامنه این رسوائی بزرگ و دغل دوستی بهرطرف کشیده شده و تفصیل اضافی را بی لزوم می شمارم. مگر هستند نکات قابل توجهی که به نظرم بایست بر آنها روشنی انداخته شود تا زوایای تاریکتر و عواقب ناگوارتر آن که در دماغ اصغراین پیش پا بینان دو رو؛ نهفته است، زیاد تر و روشنتر بر ملا گردد. حاکمیت بخشیدن به طالبان محجر و تیروریست پرورده شده دامان دال و چپاتی و مدارس جنرال حمیدگل های خود پس مانده خور دسترخوان انگلیس و یا نو بدوران رسیدگان کراچی تا اسلام آباد؛ نه انهای اند که رسن تخیل غلامی اجنبی را بگردن افغان انگلیس شکن بیا نوازند؛ بلکه همه این آرزهای خامیست که؛ تزویر کنندگان دو رنگ بزرگ تا فرق سرمسلح و کشورکشایان و ابر قدرت های استثمار طلب و مغرور؛ بمانند ادوار باطل شده تاریخ بسوی سر زمین گهربار و گنجینه اسرار افغان و مرکز ثقل همین قاره و سر زمینهای کره خاکی ما کشانده می شوند و ازینکه مهد و ماوای ما و موقف جغرافیائی و سوق الحیثی ما و غنای طبیعی دست نخورده ما حسرت افروز دشمنان حریص ماست، نه ما و نسل امروز بلکه نیاکان با صولت ما هم به آن بخوبی آگاه بوده از آن بسروجان و مال آبرومندان مواظبت و صیانت کرده اند و اگر هم درگذشته ویا حال؛ فرزندان ناخلف و دون همتی مانند گیاهای هرزه مجاهد نما و جنگسالاران و اپوزیسیون بیگانه پروری درین مرز و بوم روئیده و خدمت به بیگانگان را بر شریپاک مادرترجیح داده اند - نزد پاک طینتان و اهل خرد و با درد، همه آن داستانهای سخیف و کهنه ایست که داغ عبرت و بی ننگیش را بر جبین خود و بازماندگان سرافکنده؛ گذشته و حال خود دارند که شواهد تاریخی آن صفحات سفید و سیاه تاریخ ما را بخوبی نمایان ساخته و میسازد.

حال با رسیدن به جفنگیات جنرال متقاعد حمید گل - در قدم اول قسمتی از مصاحبه (۲ جون ۲۰۱۰) او را با خانم سوزانه کولبه از مجله معروف اشپینگل آلمانی با یاهو سرائی هایش در باره افغانستان و سپس شکرریزی او برخ ولی نعمت امروزی شان- و به تعقیب آن شاگرز کردن او ازین گفتار و اظهار بی خبری از اعمال نا شایستی با مصاحبه تاریخی ۲۷ جولای ۲۰۱۰ او با رادیوی آزادی صدای امریکا! که چهره کاذب و بیچاره این دلفک بی مقدار را بخوبی تشخیص کرده میتوانید؛ به مصاحبات او میرویم:

د پانو شمیره: له ۱ تر 7

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په خیر و لولئ

اشپیگل: اگر نیروهای بین‌المللی فردا از افغانستان خارج شوند و طالبان برگردند، قطعاً خون‌های زیادی جاری خواهد شد و حامیان دولت کرزی مجازات شده و صد‌ها هزار نفر مجبور به فرار خواهند گردید حمید گل: من فکر می‌کنم که این اشتباه نیست که ده هزار نفری از خائنین و همدستان دولت در افغانستان کشته شوند اگر اینکار باعث آزادی افغانستان شود چنانکه امریکائی‌ها نیز صد‌ها هزار نفر را در عراق کشته‌اند این خائن‌ها میتوانند با نیروهای امریکا از افغانستان خارج شوند طوری‌که دولت دست‌نشانده شوروی سابق و در راس آن داکتر نجیب‌خان در سال ۱۹۸۹ با روس‌ها فرار کرد.

اشپیگل: طالبان داکتر نجیب را در یک پایه برق در کابل حلق آویز کردند آیا فکر میکنید این یک صلح است؟ حمید گل: افغانها در ده هزار سال گذشته مشکل خود را همین‌طور حل نمودند آیا امریکا میتواند در ده سال تغییری در این‌مورد بوجود بیاورد؟

اشپیگل: غرب چگونه میتواند اطمینان نماید، که طالبان دیگر از تروریسم جهانی و حمایت از القاعده دست بردارند؟ حمید گل: ملا عمر تضمین می‌کند که دیگر از خاک افغانستان علیه هیچ کشوری عملیات تروریستی و خراب‌کارانه انجام نشود این طرح می‌تواند در مذاکرات آشتی بررسی و مورد تأیید قرار گیرد.

اشپیگل: چه نقشی را همسایگان افغانستان به خصوص عربستان سعودی در روند پروسه صلح خواهند داشت؟ حمید گل: در مذاکرات از همه مهمتر حضور رئیس ارتش پاکستان آقای اشفاق پرویز کیانی می‌باشد پاکستان میخواهد، امریکا از افغانستان خارج شود عربستان سعودی هیچ نقشی را بازی نخواهد کرد حتی اگر آقای کرزی نظر دیگری داشته باشد و چینی‌ها به نوبه خود در حال حاضر نمی‌خواهد به این مرداب کشیده شوند ولی در بازسازی افغانستان حتماً نقش حیاتی خواهد داشت.

اشپیگل: امریکا می‌خواهد حضور نیروهای نظامی خود را در آینده نزدیک کاهش دهد ولی پایگاه نظامی خود را میخواهد در افغانستان حفظ کنند.

حمید گل: امریکائی‌ها در این جنگ شکست خورده‌اند و باید از افغانستان خارج شوند طوری‌که روس‌ها سرافکنده و شکست خورده از افغانستان خارج شدند.

اشپیگل: چرا یک راه حل مشترک وجود ندارد؟

حمید گل: امریکائی‌ها به افغانستان نیامده‌اند که به زنان آزادی بدهند و یا دموکراسی بیاورند آنها برای منافع نظامی و اقتصادی خود به ایکشور آمده‌اند و حتی متحدان خود را نیز فریب داده‌اند حالا آلمانی‌ها نیز مورد حمله قرار گرفته‌اند چون آنها هم بخشی از ناتو می‌باشند در صورتیکه آنها دوستان سنتی مردم افغانستان بوده و هیچ منافعی ندارند.

اشپیگل: اتحاد جماهیر شوروی بعنوان ابر قدرت پس از خروج از افغانستان بزودی پایان یافت چقدر وقت لازم دارد که امریکا خود را ابر قدرت ببیند؟

حمید گل: قدرتهای فوق‌العاده بزرگ‌آرام می‌میرند ایالات متحد امریکا ۵۰ سال وقت دارد سپس دیگران جایش را می‌گیرند.

ولی همین حمید گل رئیس سابق آی.اس.آی و یکی از بنیادگذاران اصلی طالبان دیروز که بی‌موجب در هر ته نشین قدحی چهره مغضوب خود را منعکس میکند! - با بیرون افتادن تشت رسوائی قصر سفید و پاکستان جمهوری آن؛ فوراً سر از پا نشناخته باز اظهار وجود کرده و بگوش رادیوی آزادی صدای امریکا می‌سراید که - من این اتهامات را تقبیح میکنم و هرگونه روابط این اداره (آی.اس.آی) را با طالبان و شبکه القاعده رد میکنم گرچه مجله اشپیگل اشاره میکند که نام هیچ کس بیشتر از حمید گل تکرار نشده و دیگر داستانهای دنیا له دار او از کمک منظم مالی اسلحوی به طالبان و حتی تقویه عملی عملیات تخریبی ضد همکاران ملل متحد در راه جلال‌آباد - کابل تا تحویل دادن ۶۵ کامیون حامل مرمی‌های چینی‌ها به طالبان و یا همکاری و معاونت مستقیم با القاعده و حقانی و غیره و غیره که سخن مارا بدرازا میکشاند ولی این چهره پلید بنام مسلمان گفته است که: این اسناد بی‌معنی؛ شوخی؛ غلط و احمقانه هستند و من واژه به واژه آن‌ها را تکذیب می‌کنم و نقشی که برای من (خودش) ترسیم شده تخیلی است !!!

و در اخیر این دیده‌درآئی بی‌حرمت افشای این اسناد محرمانه را به سی‌آی‌ای و سرویسهای مخفی افغانستان دهند نسبت داده و ادعا میکند که ادارات استخباراتی میخواهند نقش پاکستان را در منطقه کوچک سازند. حال شما قضاوت نمائید که در آن پاکستانی که بقرارگفته خودش باید جنرال اشفاق کیانی بر سرنوشت و آینده منطقه و افغانستان رقمی بزند - خود این متقاعد دائم الخمر مگس هر دیگ چه کاره است که در همچو مسایل و باز بر سرنوشت افغان و افغانیت و کشور مستقلی؛ که صد‌ها سال بر اجدادش در پنجاب و نیم‌قاره هند حکم‌روائی کرده تبصره نماید که با ترس و رعب از افغانیت؛ مادر بیچاره اش پتان آگیا گفته او را در تمام دوران طفولیتش از جر زدن و فغان و فریاد زدن؛ بخموشی مجبور ساخته است!

((قابل یادآوری و بجاست که یادی از سال ۱۹۶۲ و ایام اقتدار خروشچف و روزهای بنما بم که بنابر ضرورتی سفیر کبیر افغانستان در مسکو را بکابل خواستند و من منحیت سکرتر دوم ، شارژدافر سفارتکبرا در دعوت انقلاب اکتوبر در قصر کانگره مسکو دعوت شده بودم - خروشچف که با قذح های پبهم و بزرگداشت انقلاب ؛؛ خودرا سر مست ساخته بود ! ۱۷ مرتبه به پا استاده و بر سفیر امریکا صدا زد که به قصر سفید بگو که هیچ قدرتی در دنیا جلو کشتیهای شوروی را برای رسانیدن کمک نظامی به رفیق فیدل (کیوبا) گرفته نمیتواند . و سخن هم ازین قرار بود که دولت شوروی میخواست پایگاه هستوی اتمی خودرا در هاوانا استقرار بخشد - تهدید حیاتی برای جان اف کندی و دولت امریکا که بفردای آن همان ابلاغه و بیانیه تاریخی کندی بود که اگر تا ۲۴ ساعت کشتی های شوروی به مقصد بازگشت به روسیه شاگرز نکند قوای نظامی امریکا بر آن حمله مینماید و کاری نکنند که ما مجبوراً با یک حمله باسقینی (غیر مترقب) جزیره کیوبا را از نقشه زمین برداریم و بالآخره همان خروشچف لافوک امر بازگشت کشتیهای خودرا داده و نامش را حمایه از زیست باهمی (کشمش!) ماند که اگر خروشچف هنوز هم اهل قدرت و صاحب مقام بود و قرگفت - جنرال صاحب دالخور (نه سر پیاز و نه دم پیاز و نه متوسط پیاز) را چه کار! که در هر صبح و مسأ سر از مرغانچه کشیده آدان بی وقت داده و اظهار وجود میکند هم مانند قلدر بازیهای امام خمینی در مقابل صدام! وبا چشم همه سخنش بجائی رسید که شکست و تسلیمش را در آن جنگ با سرکشیدن جام زهری تشبیه بکند!

تذکر مثال فوق برای روشن شدن ذهنیت نه چاپلوسان قصر سفید در مورد خیزهای بیجا ست بلکه برای جناب بارک اوبامای شرق نژاد غرب بارگاه و دانشمند هنوز منور نداست که فریب آدان بیوقت ماکیان هارا نخورد !! و حال که سخن از ایران آمد و جبهه گیری اش در برابر زور مندان و تحریم های اقتصادی و تجارتي - چنانچه بی بی سی مورخ ۲۷ جولای اشاره میکند نظریه پردازان ایرانی را قرار برین است که با لزوم درس گرفتن از سر نوشت عراق و دولت صدام و با در نظر داشت روش و تخلفات و یا بد قولی های دولت امریکا در برابر او محک مناسبی برای ره یابی و حلال مشکلات خواهد بود تا تسلیم شدن به تحریمات و سر نهادن به تصامیم شورای امنیتی که باز هم بر بازی کن اصلی اش که دولت امریکا و قویترین حامی دولت اسرائیل و دشمن ایران است تکیه کرده و سر نوشت خودرا مانند صدام به امریکا (یعنی اسرائیل) سپردن خطای بزرگ خواهد بود . زیرا در آغاز؛ صدام را نیز بهمین رشته بستند که آمادگی برای ساختن سلاح ذروی دارد و قتیکه او به تفتیش جهانی در آن مورد تن داد و نتیجه هم صفر - او را به اتهام تولید سلاح کشتار دسته جمعی محاکمه و به قتل رساندند که بعد ها این تهمت هم تهمتی بیش نبوده و هدف جناب جورج بوش - بهر صورت از بین بردن او بود و یافتن جای پای نظامی بادارانه در منطقه و چوشیدن لب و لباب شیره منطقه و مهمتر از همه خبر خوش مصنونیت به تل ابیب!

دوستان ارجمند از نوشتن این مثال هدفم دادن هیچ نوع کریدیتی به امام زمان و احمد نژادی نیست که بنام ؛ اسلام اند ولی از ایمان و وجدان اسلامی بکلی بی بهره ! و از تاریخ با صفای اسلام هم پند نمیگیرند . توجه نما



نید که خود به شخصیت حضرت سلمان فارسی (رضی الله عنه) که منحیت برده ، با پرداخت پول دو چند از طرف و از دارائی شخصی حضرت ابوبکر صدیق رضی الله عنه ؛ بنا بر موقف گیری ابو جهلیان در برابر اسلام ؛ خریداری شده و بحیث یک انسان آزاد و نه غلام در اسلام عرض وجود کردند و چه ماهیت و موقف اسلامی که برایش قابل شده و حتی در آخرین روزهای قبل از رحلت پیغمبر با صفای اسلام صلی الله علیه و سلم بر حضرت



بلال حبشی و حضرت سلمان فارس مهاجر؛ ندا کردند که شما در روز محشر در جمله اهل و بیت خودم و بامن محشور میشوید ولی خود بنگرید که کثافات بازمانده آن فارسین پاک طینت؛ با به آغوش کشیدنهای جناب کرزی با ملحوظات ما! در حق مهاجرین جوان و بی پناه افغان چه بربریت و قتل و اعدامهای دسته جمعی را براه انداخته و سر موژاخذین صراف ما را هم بخاک ذلت و خموشی مالیدند و درین اواخری که رسوایی ابر قدرت جهان سر به آسمان میزند **گار دین** نیز در مورد **ایران عزیز ما!** - برویت همان اسناد

د پائو شمیره: له ۳ تر 7

افغان جرمن آنلاین په درنیت تاسو همکارۍ ته رابولۍ. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بڼې پازوالی د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په خیر و لولۍ

بیشمار افشا شده مینویسد که در عملیات محرمانه در داخل افغانستان؛ برویت اسناد استخباراتی اردوی امریکا - ایران در قسمت تسلیح؛ تعلیم؛ و تمویل شورشیان طالب و جنگسالاران افغان وابسته به القاعده و عملیات انتحاری دخیل بوده است. بی بی سی هم میافزاید که رژیم خمینی بقای خود را در سر تننگی و تن ندادن برشته دار دولت امریکای دیموکرات که خود در لجن زار بیش از ۹۲۰۰۰ جنایت مستند و سؤ استفاده از خوش باوری دولت افغان؛ غرق است ممکن است تا آخرین دم؛ حاضر نخواهد شد که نفس به عزرائیل امریکایی؛ حامی اسرائیل بدهد!

پس مرادم ازین مثال نه کریدیت دادن به جلا دان امام زمان آلوده به زنا و لواطت و قتل عام اسیران و محبوسین بی گناه است بلکه حرکت بد از بدتر ایران در مقابل اعمال غیر قابل اعتماد و دوراز انسانیت یک ابرقدرت است که از یکطرف با جا دادن خاتمه جهان بشر صلح دوست (یعنی موسسه ملل متحد) در سرزمین خود می بالد و خود را علم بردار حقوق بشر میخواند و از طرفی از بدعت عمل و شرارت نفسانی و قتل و غارت نسل انسانی بردست خون آلود هلا کو و هنتر و خمر سرخ آب طهارت ریخته احمدی نژادی و یا نرادی را زبان گویا می بخشد که این روش را نباید نمونه در تاریخ؛ و بلکه تکرار مکررات در تاریخ همین وطن مصیبت زده ما بحساب آورد مگر با تجاوز قوای انگلیس و جنگ دوم افغان انگلیس و جنایت و فریب کاری مزورانه و امیدوار نگهدارانه جنرال کماروف روس در وعده دادنه‌های میان تهی به مرحوم امیر شیرعلی تا آخرین رمق حیاتش در مزار شریف (۱۸۷۹م) - و یا وعده های دروغین انگلیس به امیر محمد یعقوب خان - تا امضای قرارداد تحمیلی گندمک بر او (۱۸۸۰م) و سپس انتقال وی با فامیلش به راولپندی و نظر بند تا مرگ و یا باز بزرگترین جنایت تاریخی روسیه شوروی بمقابل شهید محمد داود خان و سقوط دولت اسلامی افغانستان و تعویض آن به غلام زاده های روسی خلق و پرچم - و قتل عام میلیونی ملت نجیب افغان با یاد آوری از نوکر های اجیر پشاور و مشهدی سو گند خورده در خانه خدا؛ ولی باز هم جنگ و جنایات مکرر و تا امروز با تاپه اسلامی همه آن صفحه و سند نیست که مرور زمان و دست های پلید افغان نماها آن را محو کرده نمیتواند و امروز هم این سیه روزی های پذیرفته شده بر سر نوشت ملت بینوای افغان هم اساساً بدست همان دشمن دیرین افغان انگلیس است و ساز و سامان دهنده کثافتستانیت (بنام پاک ستان) که لیدران امریکای حریص را در لجن زار بربریت و کشور کشائی میکشاند و اگر وجدان است و پذیرفتن مسئولیت؛ امروز جای آنست که جنایتکاران جنگی و توطئه گران خود را نیز به پای محاکمه و به استنطاق واقعاً بشر دوستانه انسانی در مورد قتل عام های دسته جمعی و ملی مردم بیگناه عراق و افغانستان و تصفیه همین ۹۲۰۰۰ سند کشانیده لکه دار شدن بيموجب دولت امروزی ایالات متحده امریکا را با موقف و شخصیت پاک سرشتان و تاریخ مردم امریکا نجات دهند. حال قبل از رفتن بطرف نتیجه گیری و تبصره نهائی؛ اشاره گذرانی به نوشته و تبصره رابرت بلک ویل (سابق سفیر امریکا در هند) با ابراز نظرش در مورد تجزیه افغانستان! در فاینشل تایمز؛ باید کرد که بیچاره از بیکاری میخواید در قطار جنایتکاران جنگی امریکای ثبت نام کرده و لکه سیاهی را قبل از مرگ پر حرمانی برجبین خود داشته باشد و چنین معلوم میشود که این بیچاره ناپوه دیپلمات شده هنوز هم موقف خود و کشور خود و دیموکراسی جهانی و حریت پسندی و قربانی دادن ملت افغان در راه آزادی را نیاموخته که باهمان نادانی خواهد مرد!

و میرویم بر متن مقاله نوشته شده بقلم زیگنفر بریژنسکی (یهودی پولندی الاصل عقده دار و جوان فرار کرده از بوخنوال نازیها- در مجله پولیتیکای پولند) و خود این جلا د و جلا د زاده قرن ۲۰ و ۲۱ که بر بنیاد اعمال شیطنیت و شرارتش به او لقب ((بارومتر سیاست خارجی امریکا)) را میدهند. او که یکی از چند چهره اصلی پالیسی میکر این کشور بحساب میرود و در دور ریاست جمهوری کارتر مشاور امنیت ملی وی بوده و همین شخص است که چهره جهاد افغانستان را با اجیر نگهداری صرافان جهاد نمای پشاور نشین و مرهم داری جنرال ضیا الحق؛ رنگ بردگی داد تا به نتایج فلا کتبار امروزی رسید و همین چهره انسان ناماست که باختم و طرد قوای متجاوز شوروی از افغانستان عملاً اظهار داشت که او محرک اصلی جلب قناعت و تحریک دولت بریژنیف ملعون برای تجاوز به



افغانستان بوده است و چون مطالعه تاریخ افغانستان به او این قناعت و الهام را داده بود که در اخیر نتیجه تجاوز و مقاومت ملی مردم آزادی دوست افغانستان؛ با طرد قوای شوروی و تحمیل خسارات تجاوز؛ فرصتی خواهد بود و شد که دولت شوروی قیمت باخت امریکا در حمله به ویتنام را بپردازد و عملاً پرداخت و سپس حتی رفتن نام شوروی را از صفحه تاریخ جهان مساعد ساخت و اینکه ملت و سرزمین افغان به چه ماتم سرائی مبدل شده و یکعده مکروبه‌های ضد انسانیت و اسلامیت را در راه بکلی خرابتر ساختن و حتی نظریه تجزیه اش میکشاند یکی هم اوست که حال کاذب ترین نظرش را در مورد آینده مردم افغانستان و

د پائو شمیره: له ۴ تر 7

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لوی

طرق و موجبات تجزیه آن ابراز میدارد. اینهم سوابق تاریک و نظر این لکه ننگ راستی و انسانیت!!

تاریخ آغاز رژیم سوسیالیستی روسیه هم که با بلعیدن اطراف و اکنافش اسم اتحاد جماهیر شورگویی سوسیالیستی را برای مدت زمانی بخود گرفته بود در پهلوی لنین و ستالین و حواریونش همچو چهره یهودی پولندی الاصلی را بنام درژنسکی (به وزن بریژنسکی) نشان میدهد که از جلادان عصر و سردسته اشرا و قاتلان ملت روس در آن زمان و اساساً بنیاد گذار **چکیست ها و سیستم چکیستی** بوده است و همه این رمه جلادان وحشی و درنده تربیه شده درژنسکی قاتلان بی رحم حرفوی بوده اند که فقط منتظر تدارک لیست رفتنی ها از قید حیات مخصوصاً شبانه و ورکش شده به منازل بینوایان بی خبر از جهان میریختند و نه تنها شخص مورد نظر بلکه تمام اهل و بیت و کبیر و صغیرش را از تیغ کشیده - اجسادشان را هم در کوره های ذوب آهن و فولاد و کوره های ذغال سنگ برای ابد سر به نیست میکردند و همین عمل هم یگانه راهی بود که آن نظم دولت کارگری برنحش ذوب شده طبقه کارگر راستین میلیونی تهداب گذاری شد من یقین دارم که این چشم های درنده گریگ مانند بی رحم با تقرب کامل اسمی و زادگاهی (درژنسکی و بریژنسکی هر دو یهود پولندی) - بکی از بازماندگان همان جلاد دوران بولشویکی میباشد که حتی با نفرت و انزجار ملی - بعد فروپاشی شوروی مجسمه بزرگ او را حلق آویز کرده و میدانی بزرگ مرکزی را که بنام او (درژنسکی) یاد میکردند بنام **لویلیانکه** مسما ساختند تمام نوشته دو صفحه ای مشرح این پولندی یهودی الاصل قصی القلب بی ادراک و به سابقه فطرتش در دو صفحه مکمل مشرح (به اساس حدیث مبارک - کُل شی یر جع الا اصلیه) و با ضرب المثل خود روسها که سیب از درخت خود دورتر نمی افتد - فقط در یک سایت فارسی .
رو مسکو با تبصره اندری سیرینکو فعلاً صائب نظر مرکز مطالعات افغانستان معاصر در مسکو (سابق یکی از مستشاران ورزیده دری فهم فعال سفارت شوروی وقت در کابل) به نشر سپرده شده است و این سایتیست که تحت سایه تواریشان (دوسکه ای افغان روس) دیروز و دیموکرات شدگان امروز؛ برای بیشتر از یکصد هزار افغان مقیم روسیه (تابع شدگان و هم نوای شان و یا هنوز مهاجر و بیگناه!) مینوازد که قبلاً و بعد از ۷ ثور ۱۳۵۷ می نواخت ولی یقیناً ریتم آن گوش خوب شنوا و حواس رسا و چشم بینا بکار دارد نه مجاهد و جنگنازان ما که در چرت و همکاری قلبی دولت در مانده در خود و ملت شکسته بنیاد ما نیستند آغای بریژنسکی عقیده دارد که زمینه اصل مداخله از بیرون (که مرامش قوای امریکاست) را در قدم اول و بالا تر از معضله افغانستان - راه حل معضله دولت فلسطین و منازعه فلسطین و اسرائیل در منطقه تشکیل میدهد که به نظر او با جلب نظر اتحادیه اروپا و ۹۵٪ حمایت مستقیم مردم جهان از (نظریه ایشان!) این موضوع بزرگ جهانی با پیروی از ۴ شرط پیشنهادی جنا ب شان! راه حل پیدا نماید:

۱- فلسطینیان باید از حق باز گشت (مقصد شان از سر زمینهای آبائی فلسطینی هاست!) صرف نظر کنند مثلی که آلمانها دیگر به گدانسک (فعلاً جز و خاک پولند!) برگشته نتوانستند (ولی این آغا از بلعیدن شهر پرست خاک پولند توسط شوروی و جزایر کوریل ملکیت جاپان باز هم توسط شوروی بادی نمی کنند!!)
۲- اسرائیلیان باید درک کنند که صلح و تفاهم پایدار وجود نخواهد داشت اگر پایتخت دولت فلسطین در بیت المقدس شرقی وجود نداشته باشد.

۳- تبادلۀ زمین ضروریست تا سرحد در مطابقت با آبدیهای یهودی نشین تعیین گردد (این است حاتم و حکم آن؟)

۴- عنصر چهارمی که موقف اساسی و اولی را دارا میباشد تا در بر آورده شدن ۳ شرط اولی کمک نماید و آن این که "تعیین سرحدات سر زمینهای فلسطین و استقرار نیروهای امریکا و ناتو در کنار غربی رود اردن" میباشد که البته امریکا و ناتو برای تحقق آن باید همه پروژه های نظامی و سیاسی سنگین و؛ قبل از همه **عمده ترین آنها - بما موریت در افغانستان را خاتمه ببخشند!؟! و بصورت خلاصه عرض شود که:**

به اساس پیشنهاد این مایه فساد بی وطن (مندرجه ۲ پاراگراف اخیر او چنین است:

اگر امریکا با دوام جنگ به پیروزی دست نیابد موفقیت خود را در پروژه نو شرق نزدیک جامعه انلانیتیک شروع کند و مدل نوی را که به جنگ خاتمه بخشد پیش کند - با پیروزی بر طالبان و پیشبرد مذاکرات با جناح میانه رو و ایجاد سیستم کلکتیوی افغان - پاکستانی کنترل بر (خط دیورند)، (یعنی افغانستان بای بای و چه وقیحا نه!)

و نهایتاً هدف این گزینه ها - آزاد سازی منابع امریکا و ناتو برای پروژه مشترک شرق نزدیک انلانیتیک میباشد که با پایداری داخلی ناتو (رفع تزلزل ترکیه) مطابق طرحهای او؛ اوضاع فلسطین - اسرائیل را ثبات بخشیدن است که تا ثیرات مستقیم دائمی بر ساختار داخلی سیاسی ایالات متحده امریکا بجا میگذارد.

بایست باین بیوطن امریکائی شعار؛ گفت که با این مغز پوسیده و دهن کثیف؛ نامی از تجزیه سرزمینی میرا! که هزاران سال قبل از اثر قنوم امرکوویسپکچی و کلمبوس درین سرزمین پنجصد پدیره شیرخانه بخود مغرور بادار شما؛ علم برج و باره بخدی و نام بزرگ امپراتوری آریائی و علم و دانش کابل و هری؛ جمع اروپای دیروز را میلرزاند این پوسیده سال گم کرده راه؛ باید بفهمد که **افغان ضرب المثلی دارد!**

د پائو شمیره: له ۵ تر 7

افغان جرمن آنلاین په درنیت تاسو همکاري ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په خیر و لولی

دوستی می‌کنی از زرمه ترس و دشمنی می‌کنی از سرمه ترس!

تا همان پیام استاد قاسم مرحوم به سفیر انگلیس؛ بگوش باداران شما هم تکرار نشود: ((گر ندانی غیرت افغان نیم *** چون بمیدان آمدی میدانیم))

بهرحال با تقدیم مراتب مختصر فوق، و خاصاً حادث شدن نظریه منحوس تجزیه افغانستان در جهان و نزد منورین و دانشمندان خجسته سیر افغان و در مجموع نزد ملت با شهامت افغان که یکی از منورین با ارزش وطن چنانج و لی احمد نوری آنرا با عنوان درشتی ((مفکوره تجزیه افغانستان خیانت ملی است!)) در پورتال وزین افغان جرمن آنلاین برآزنده ساخته است، با تائید و همصدائی کامل با این دوست ارجمندم خلاصه مطالب و بازهم رسیدگی لازم به این امر حیاتی و سرنوشت ساز را چنین ارائه میدارم.

۱- ازینکه چون ببازی بازی؛؛ حال سخن به نظر قاضی فرومایه بی وطنی رسیده و دولت ملحوظاتی خود نگهدار افغان هم بقای خود را در قد علم نکردن بمقابل این بی شعوران ندیده و فقط به تقبیح آن با مطالعه نمودن موضوع توسط کمیسیون اکتفا کرده است و جناب سپنتای پالیسی میکر دیروز و امنیت یاور امروز هم فقط اظهار خواه شینی فرموده و گفته اند: الله چقدر بد! آخر پنهان کاری در جنگ مشترک که صحیح نیست!! بلی سپنتا صاحب دفاع از بود و نبود وطن صدای رسا بکار دارد نه تذرع و نه تبصره علمی و لکچری!!؟!

۲- با تجربه و شناختی که از شیادان دیروز داریم و حال در برابر قوای ۴۰ کره مادیان - آزموده ها را آزمودن خطا ست و اطاعت و اعتماد بر ایشان نارواست! و گناهی خواهد بود که سرنوشت افغانستان عزیز خود را بدست و تصمیم بریژنسکی شریب بی وطنی نواده دیرژنسکی جلاذ دوران درو ملت روس بگذاریم که خود فرار کرده از زیر تیغ هتلریم تا عقده کشایی اش را در افغانستان بیازماید!

۳- باید با کشور و کشورهای علمبردار آزادی و حقوق بشریکه این رسوائی‌ها ی شان با سو استفاده از اعتماد ملت و دولت افغانستان چهره اصلی شان بر ملا شده است - مطالب و مقاصد آزادی خواهانه و ملی گرایانه ملت قربانی داده و حق تلف شده خود را چنان بصراحت و صداقت و علنیت با حفظ حریت و تمامیت ارضی افغانستان عزیز ما با روشنی کامل مطرح سازیم که مخصوصاً گنجایش سخنی برای اهریمنان و همسایه های غدار ما باقی نماند.

۴- در صورت لزوم و حادث شدن این معضله (ولو که پای ما در کثافات شان بند است!) این خود یکی از مواردیست که بایست بدون ضیاع وقت داستانش به شورای امنیت موسسه ملل متحد ارجاع و با ارائه اسناد جرمی خودشان که گواه بکار ندارد - پای ناپاکان و زبان شورانی شریبری چه همسایه های اسلام نما و دور و نزدیک باشد و با بریژنسکی های خود پینه سر زانو و امثال آن از بیخ و بن قطع شده و اعمال همه جانبه شان این بی لگامان - لگام زده شود. که درین کارزار امان افغان بودن! افتخار آور است و بس!

۵- بدون تردید از دولت اوپاما خواسته شود که بدون ریا و غضب های تصنعی رسماً: (توطئه گرانی را که درین جنایت قصدی سو استفاده از اعتماد دولت و ملت افغان دست دارند افشا کرده و بنام انسانیت بمحاکمه بکشاند تا در آینده حدود صلاحیت و پاس انسانیت را مرعات کرده بتواند)

۶- اگر از بریژنسکی و یا بارو متر سیاست خارجی امریکا پرسیده شود که آیا در پهلوی این پیشنهاد بشر دوستانه تان به نفع یهود؛ با توجه بحال مردم الاسکا و هاوانی که در سال ۱۹۵۹ بحیث ایالات ۴۹ و ۵۰ اضلاع متحده امریکا قید شده اند و همچنان اریزونا و نیو مکسیکو در سال ۱۹۱۲ - آیا جرأت تجزیه مجدد شان از خاک ایالات متحده امریکا برای آزادی دوباره شان به دولت رزق رسان تان پیشنهادی کرده میتوانید؟ که جوابش نخواهد بود و خوب میدانید که با مطرح ساختن این نازکیها؛ تکرار بر همان خاکتوده بوخوال پرتاب میشوید! پس شما بگفته مردم ما ووقی کجا هستنبد که بی موجب پا و پاچه افغانستان. امتحان داده را میگیرید!

۷- جناب کرزی! لطفاً وبه پاس حرمت به خاک پدر شهید و ملت قربان شده که شمارا بریاست خود پذیرفته اند، با تغییر مسیر، از خود تصمیم گرفتند؛ تا اپوزیسیون و جهاد و جنگ سالار نوازی ها و مقصد پروریها و انواع روش مصائب آوریهای ملت افغان گذشته و حامیان جهانی تان راهم به بینی نرسانیده و شاکتی نسازید توجه نمائید که تغییر مسیر و انتخاب براه درست چقدر بخیر و سعادت افغانستان عزیز و هموطنان پردرد تان و موفقیت شما تمام میشود! زیرحال مرحله پاکي و درایت و کاردان طلبی و خدمتگار نوازشیست و بدرستی دشمن دروی؛ پس به پاس مردم غرقه در خون افغان و با ترس از عقوبت یزدان؛ همین جاست و فوق العاده مردمی که لوی جرگه واقعی عنوی ملت افغان (ونه انتصابی) را با تمام ماهیت ملی آن بکار انداخته و تمام تصامیم شان را بدون کم و بیش و بثور از واهمه جنگسالاران و بیرون از دست اغبار چنان با سربلندی و متانت وبا غرور ملی عملی نمائید که نزد خدا و خلق جهان آدمیت عدالت شعار؛ قابل قبول و پذیرش باشد و خودم شخصاً لوی جرگه پرافتخار کابل را در دورجنگ دوم جهانی خوب بخاطر دارم که بر متانت و تصامیم و صفای ماهیت و نتایج آن تا حال احساس غرور و لذت میکنم و

د پائو شمیره: له ۶ تر 7

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپکني د ليکنيزي بني پازوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خير و لولۍ

کوتاه سخن که از محسن تصامیم و حرمت گذاری به اعضای کوردیپلوماتیک آلمان مغلوب در جنگ تا دیگر آلمانیهای مقیم افغانستان حتی تا مواصلت آبرومندانه شان به خاک آلمان، حالتی را برقرار نمودند که ملت آلمان تا امروز بدوستی ما بالیده و آنرا به نیکوئی بخاطر دارند!

ولی جرگه برای جلب شفقت بن لادن و ملا عمر و کلب الدین و حقانی و ملا ضعیف ... قمرالدین ... و و همسایه های ماه جبین کاکل زری ! طریق موفقیت نه بلکه دود پروریست و سراسیمگی بیشتر برای مردم افغان!! که از راه تطمیع ملاءهای نفسانی و پول پرست یا جلب رأفت طالب دون همت و حمید گل و نیاوران ویا راشه ودرشه اوباما صاحب ثمری بدست نخواهد آمد در حالیکه همه این قماشهای رنگین فقط قمچین و شلاق آدمیت و افغان شدن را بکار دارند نه پُر کردن جیب و پا و ریش و زنج گرفتن! کرزی صاحب محترم! گرچه قابل احساس است که مقامات عالیله امریکا لزوماً یا مجبوراً برای تلافی تقصیرات عمدی دیروزها؛ در مورد حمایت از مردم افغانستان و مبارزه علیه طالبان و دهشت افگنی ها با شما سر راشه و درشه را گرفته اند ولی شما لطفاً با افغانان و ارکان پاک طینت و راستی قابل اعتماد تان! بسم الله کرده قویتر از حال و مؤثرتر دست بکار شوید ورنه با ناوقت کردن ها؛ شاید دیگران و حمید گل مانندان و خلیلیان امام زمان با همکاری تجزیه طلبان بزدل و بی ایمان؛ دست بکار شده و خدا نا خواسته شمارا به لا اله الا الله گفتن فرصت نخواهند داد!؟؟؟! و خود قضاوت کنید که تقصیر خاک و مردم در چیست!؟؟؟! به امید نفس راحتی برای ملت کریدیت سوخته جهاد راستین و نیاسوده افغان دوستان محترم - برای مزید معلومات به بمنابع ذیل مراجعه فرمایند.

bbc.co.uk/Persian/Afghanistan/ / voanews.com/dari/news/ / Afghanpaper.com

Farsi.Ru

dwelle.de/Persian/

د پانو شمیره: له ۷ تر 7

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولئ